

چشم انداز صنایع کشور

سقوط صنایع یا حرکت به پیش



پیش‌بینی وضع صنایع کشور در سال ۸۷ به قلم دکتر مرتضی بهشتی، دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»

ایران، سال سختی را در سال ۸۶ پشت سر گذاشت. قطع ارتباط بانک‌ها برای گشایش اعتبار که معمولاً با ۱۰-۱۵ درصد مبلغ پیش فاکتورها گشایش می‌یافت، تبدیل به خرید نقدی و از طریق صراف‌ها یا واسطه‌های دیگر شد. امکان استفاده از تأمین مالی (فاینانس) که گاهی حتی سود پرداختی برای آن از سود بانک‌های داخلی کمتر بود، از میان رفت. استفاده از بازرسی کالا قبل از حمل، که می‌توانست اطمینان خاطر تولیدکننده داخلی را از لحاظ کیفیت کالای حمل شده تأسیس نماید، به لحاظ مشکلات به وجود آمده قابلیت خود را از دست داد و در نتیجه، بسیاری از کالاها گران‌تر و با کیفیتی نازل‌تر به دست تولیدکننده رسیدند. قطع گاز و تعطیل بسیاری از خطوط تولید به علت سرمای زمستان سال ۸۶ در حدود دو ماه، عملاً باعث شد تا به هزینه‌های پرسنلی واحدهای تولیدی افزوده شود بدون آن که تولیدی برای فروش به دست آمده باشد. دستور دولت برای کنترل قیمت‌ها تولید بسیاری از محصولات را از جمله سیمان، لبنیات، گاز مایع و برخی کالاهای یارانه‌ای مانند قند و شکر، با زیان همراه ساخت و نیاز به نقدینگی واحدهای تولیدی در سال ۸۶ را به شدت افزایش داد.

به نحوی جلوگیری شود و بانک‌ها به عنوان بخشی از سیستم وابسته به دولت در برابر تولیدات داخلی احساس مسؤلیت بیشتر کنند، شاید گشایشی برای صنایع در سال ۸۷ به وجود آورد.

ارتباطات خارجی صنایع در نیمه دوم سال ۸۶ نیز با مشکل روبه‌رو بود. بانک‌های اروپایی و دیگر کشورهای OECD و به تبعیت از آن حتی بانک‌های چینی از گشایش اعتبار برای ایران خودداری کردند. این گونه رفتار بانک‌ها از تحریم شورای امنیت سازمان ملل که بانک‌های مشخصی را شامل تحریم کرده بود، فراتر رفت و بیشتر تحت نفوذ برخی از دولت‌های بزرگ، باعث شد که بانک‌های کشورهای اروپایی، دیگر اعضای OECD و چینی را مجبور به اتخاذ چنین روشی کند. مسلماً با فشاری که اکنون در شورای امنیت سازمان ملل، زمینه‌های آن فراهم شده است و با نفوذی که برخی از قدرت‌ها اعمال می‌کنند، این وضع می‌تواند گسترش یابد. علی‌الخصوص که سیستم‌های بانکی در جهان به صورت یکپارچه عمل می‌کنند و با توجه به حجم عملیاتی که بین بانک‌ها وجود دارد، این نوع فشارها از سوی قدرت‌ها می‌تواند مؤثر واقع شده و دامنه آن برای کشورهای دیگر هم گسترش یابد، به طوری که صنایع ما را با مشکل بیشتری برای تأمین لوازم یدکی، مواد اولیه و قطعات مواجه سازد. در سال‌های گذشته، صنایع ما عادت داشتند از یوزانس و فاینانس استفاده کنند ولی با این نوع تحریم‌ها عملاً از بهره‌گیری از آن محروم مانده‌اند. فاینانس خارجی در کنار گشایش اعتبار ارزی برای صنایع ما مزیت نسبی به وجود می‌آورد. معمولاً نرخ تأمین مالی آن حتی از نرخ بهره در کشور ما پایین‌تر بود و می‌توانست منبع قابل‌اتکایی برای سفارشات تولیدی باشد. گشایش اعتبارها نیز چون تا زمان رسیدن اسناد با ۱۰ تا ۲۰ درصد مبلغ انجام می‌گرفت، فشار به نقدینگی واحد تولیدی را کمتر می‌کرد. در حال حاضر چون کل پرداخت‌ها برای هر نوع سفارش خارجی به صورت نقدی صورت می‌گیرد، همه کنترل‌ها و ابتکار عمل در زمینه کیفیت کالا، تحویل به موقع سفارش و غیره در دست تولیدکننده خارجی است.

اگر در سال ۸۷ مذاکرات رودرو با قدرت‌هایی که فشار بر کشور ما را هدایت می‌کردند به نتیجه نرسد و ما در داخل کشور، در بهره‌گیری از توانایی‌های داخلی برای تولید و ارایه امکانات مختلف با استفاده

از سیستم‌های مالی کارا نباشیم، صنایع ما که به علت مشکلات ارتباطی، از تکنولوژی‌های روز عقب مانده‌اند دچار مشکل اساسی می‌شوند و وضعی به وجود می‌آید که هزینه‌های دوباره‌سازی آنها در آینده نیز تردید جدی به همراه خواهد داشت. بر اساس ترسیم برنامه چهارم توسعه که قدم‌های اول برای رسیدن به چشم‌انداز ۱۴۰۴ است، قرار بود رشد صنعت در حدود ۱۲ درصد باشد. این رشد نه تنها در دو سال گذشته محقق نشد بلکه با آن چه قبلاً به دست آمده بود فاصله گرفت و در بهترین شرایط باید آن را در حدود ۶ تا ۷ درصد به حساب آورد.

بهره‌وری و آشفته‌گی نظام قیمت‌ها

موضوع دیگر در برنامه چهارم، بالا بردن بهره‌وری با رشد ۳۰ درصدی بود تا ۲/۵ درصد رشد از ۸ درصدی محصول ناخالص داخلی (GDP) از راه بهبود بهره‌وری به دست آید. اما این امر نیز محقق نشده، حتی بهره‌وری سرمایه مانند سال‌های گذشته کاهش یافت. تغییر این مسیر در سال ۸۷ کوشش فراملی می‌خواهد که با برخی از تصمیم‌گیری‌ها مانند کنترل قیمت‌های تولیدکننده ولی آزاد گذاشتن قیمت در دست توزیع‌کننده و آزاد بودن قیمت‌های کالای وارداتی سازگاری ندارد.

از دیدگاه قوانین حاکم بر صنعت نیز مشکلات کماکان پا برجاست. در سال ۸۶ طرحی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان «رفع موانع تولید» به تصویب رسید و به علت ایرادات شورای نگهبان به شورای تشخیص مصلحت نظام رفت. سرنوشت آن هنوز معلوم نیست. در قانون برنامه چهارم توسعه، تکلیف بود که قانون کار و برخی از قوانین دیگر تغییر یابند، ولی هنوز لایحه آن برای تصویب برای هیأت دولت ارسال نشده است، و تکلیف قانون خصوصی‌سازی که یک قانون پُر ایراد است با وجود تصویب مجلس شورای اسلامی بلا تکلیف مانده است. در سال ۸۴، قانون برخی از درآمدهای دولت در ماده ۶۶ برای جلب سرمایه‌گذاری بیشتر در رشته‌های صنعتی استثنائی تبصره ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم حذف شد که مفهوم آن این بود، شهرک‌های

هم زمان، بانک مرکزی با صدور دستور جلوگیری از پرداخت اعتبارات جدید مخصوصاً برای واحدهایی که بدهی‌های معوقه داشتند و تمایل دولت برای فروش ارز در طول ماه‌های گذشته برای واردات کالاهای ساخته شده به منظور کنترل تورم که رقیبی ناخواسته برای کالاهای تولیدی داخلی شد، عملاً مشکلاتی، برای تولیدکننده به وجود آورد. به تدریج، دامنه گرفتاری صنایع از برخی از رشته‌های صنعتی به سایر صنایع نیز کشیده شده تا آنجا که تعداد قابل ملاحظه‌ای از واحدهای تولیدی قادر به پرداخت‌های ضروری خود در پایان سال نشده و حتی برای پرداخت حقوق و مزایای کارکنان خود با مشکل تأمین منابع روبه‌رو گردیدند. بانک مرکزی اعلام می‌کند که مصمم است شرایط سخت‌تری را بر بانک‌های عامل اعمال نماید تا برداشت این بانک‌ها از صندوق بانک مرکزی کمتر شود و با مجوزی که از سوی مجلس شورای اسلامی گرفته شده، می‌توانند با افزایش سرمایه، وضع حساب‌های خود را با بستن کاران (بانک مرکزی) بهبود بخشند و پرداخت‌های اعتباری فقط از محل سرمایه و پس‌اندازها امکان‌پذیر خواهد بود. در این صورت، اگر از تمایل به واردات کالای ساخته شده

تحت نظر سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی با مشارکت سازمان‌های مسؤول دولت، تشکل‌های مستقل صنعتی و کارشناسان مجرب اقتصادی، پیش‌نویس برنامه را تهیه می‌کرد. معلوم نیست با منحل شدن سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، استانی شدن برنامه‌ریزی، تعویض‌های مکرر مسؤولان دولت در بخش صنعت، فاصله گرفتن سازمان‌های مسؤول از تشکل‌های مستقل صنعتی، تهیه برنامه پنجم چگونه رقم خواهد خورد. با این همه باید امیدوار بود، زیرا یک مدیر تولید، برای نجات فرزند خود که همان واحد تولیدی است، خود را به هر آب و آتشی خواهد زد. ■

مطلوب دست یابند، گشایشی برای نیروی انسانی شاغل در صنعت کشور فراهم می‌شود تا مهارت‌های خود را ارتقا داده، بهره‌وری خود را بالا برد و تولیدات داخلی را سودآور کند. چالش دیگری که در سال ۸۷ با آن مواجه خواهیم بود مسأله بهره‌گیری از صندوق ذخیره ارزی است که آیا این صندوق را برای سرمایه‌گذاری‌های سودآور صنعتی به کار خواهیم گرفت و یا می‌خواهیم از آن برای واردات و مخارج جاری دولت استفاده کنیم. از سوی دیگر، سال ۸۷، سال تهیه لایحه برنامه پنجم توسعه است. در گذشته، کمیته برنامه‌ریزی صنعتی

صنعتی در هر محلی از استان‌ها قرار می‌گیرند از مالیات معاف می‌باشند. سازمان مالیاتی این قانون را تفسیر به رأی و معافیت کلیه واحدهای واقع در شهرک‌ها را حذف کرد. هنوز هیچ سازمانی برای تغییر این تصمیم‌گیری اقدامی نکرده است و به تهیه لایحه توسط دولت حواله داده می‌شود. کلیه این قوانین به علاوه قوانین دیگری مانند لایحه قانون تجارت که در کمیسیون‌های مجلس قرار گرفته، بدترین سرنوشت را خواهند داشت زیرا انتخابات مجلس شورای اسلامی عملاً مجلس را در اسفند و فروردین ماه از فعالیت قانون‌گذاری باز می‌دارد یا لایحه لازم به مجلس ارایه نخواهند شد و یا مجلس به علت انتخابات، تشکیلات مجلس جدید و تشریفات رسمی شدن کمیسیون‌ها و جو سیاسی که بر آن حاکم می‌گردد، از فعالیت‌های اساسی باز خواهد ماند.

صادرات خدمات توریزم

مهمانانی از جهان

راهکارها و چالش‌ها

برای دستیابی به توسعه یافتگی، قوانین اقتصادی باید به صورت «قوانین مادر» همراه با کارشناسی دست‌اندرکاران فعالیت‌های اقتصادی و الگوبرداری از بهترین قوانین کشورهای دیگر تهیه شوند تا کمتر در پارلمان با پیشنهادهای حذف و ادغام و اصلاح که فی‌البداهه در صحن مجلس ارایه می‌شود و با توضیح‌های مختصر و قیام و قعود به تصویب می‌رسد، شیرازه آن گسسته گردد و مرتباً نیاز به اصلاح‌های مکرر پیدا کند.

در سال ۸۷ مسأله واگذاری‌ها به بخش خصوصی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، راهی بهتر از سال ۸۶ نمی‌تواند بییامید، علی‌الخصوص که جو حاکم بر کشور سیاسی خواهد بود و نمی‌تواند آنچنان آرام باشد تا جلب سرمایه‌گذاری خارجی صورت گیرد. کماکان سهام عرضه شده در بورس نیز توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به نهادهای دولتی خریداری خواهد شد و تحویلی برای بخش خصوصی واقعی به وجود نخواهد آمد.

اگر در سال ۸۷ با تشکل‌های صنعتی با روش گذشته برخورد شود (که از سال‌های ۸۴ به بعد شاهد آن بودیم) و دولت و سازمان‌های وابسته به دولت تشکل‌های صنعتی و حرفه‌ای را به عنوان مشاورانی با هزینه‌ای کمتر و کارآمدی بیشتر در نظر بگیرند و اگر دولت بخواهد کماکان تسلط خود را بر سرنوشت تشکل‌های حرفه‌ای حاکم سازد و به صورت دوگانه با آنها رفتار کند، وضعیت این تشکل‌ها روبه بهبود نمی‌رود و ایجاد زمینه‌های کارشناسی در آنها فراهم نخواهد شد و عملاً کشور از یک نیروی قابل اتکا محروم می‌ماند. در سال ۸۷ قرار است برنامه‌ریزی برای ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی بر اساس قراردادی که دولت ایران با استفاده از اعتبارات بانک جهانی دارد به نتیجه بنشیند و گروهی که تجارب مشابهی در دیگر کشورها دارند، این برنامه‌ریزی را ارایه دهند. اگر این برنامه‌ها به نتیجه

توسعه صنعت گردشگری، گامی مؤثر در رهایی از رکود و بیکاری است.

تشکیل می‌دهند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که به ازای هر توریست وارده، یک شغل ایجاد می‌شود. بنابراین صنعت جهانگردی، یکی از موتورهای محرکه برای استراتژی‌های توسعه ملی و محلی قلمداد می‌شود. در این راستا، ایران نیز می‌تواند استراتژی توسعه صادرات غیرنفتی را با تأکید بر صنعت جهانگردی به عنوان راه حلی جایگزین برای صادرات نفتی دنبال نماید و در فرآیند جهانی شدن از یک کشور منفعل و تأمین‌کننده مواد خام به یک کشور فعال در عرصه تجارت بین‌الملل تبدیل شده و با جذب نیروی جوان به این بخش، معضل بیکاری را نیز حل نماید. از آنجایی که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین توسعه صنعت توریسم و رشد اقتصادی وجود دارد، همچنین با توجه به تأکید سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران بر جذب ۲ درصد از جهانگردان بین‌المللی صنعت گردشگری باید در اولویت‌های توسعه قرار گیرد، چراکه با وجود ضریب اشتغال‌زایی بالا در این بخش، مطمئناً باعث رشد پرشتاب اقتصاد همراه با بهبود توزیع درآمد کشور بوده و گامی مؤثر در رهایی از مارپیچ رکود و بیکاری در اقتصاد ایران خواهد بود.

در دهه‌های گذشته، از یک طرف مطرح شدن مباحثی چون فرامدرنیسم (Postmodernism) و صنعت زدایی (Deindustrialization) در کشورهای توسعه یافته در راستای توجه فزاینده به تبعات اجتماعی و زیست‌محیطی صنعتی شدن و از طرف دیگر، مشکلات ساختاری کشورهای در حال توسعه در جذب منابع برای رشد اقتصادی، سبب تأکید کشورها بر توسعه بخش خدمات - به دلیل ماهیت کاربر آن در جذب نیروی بیکار جامعه - گردیده است. در این میان، یکی از خدماتی‌ترین بخش‌های صنعت، صنعت توریسم و جهانگردی است. این صنعت تا پایان دهه آینده در صدر صنایع پردرآمد جهان قرار می‌گیرد و انتظار می‌رود بیش از چهل درصد اشتغال جهان را به خود اختصاص دهد. اهمیت این صنعت به گونه‌ای است که به اعتقاد برخی کارشناسان، رقابت جهانگردی، جنگ سرد هزاره سوم می‌باشد. بر اساس گزارش اقتصادی سازمان جهانی جهانگردی، این صنعت یکی از پنج عامل مهم صادرات در ۸۳ درصد از کشورهای جهان و مهمترین منبع تأمین ارز در دست کم ۳۸ درصد از کشورهای جهان محسوب می‌شود. اهمیت این صنعت و نقش آن در اقتصاد برخی کشورها به گونه‌ای است که عواید حاصل از آن با درآمدهای ناشی از شاخه‌های اصلی تولید مانند راه آهن، برق و نساجی برابری می‌نماید. ارز خارجی که توسط جهانگردان به سوی کشورهای مقصد آورده می‌شود، بخش‌های مختلف اقتصادی را فعال می‌نماید، ضریب اشتغال را به شدت افزایش می‌دهد و سبب ایجاد فرصت‌های شغلی گوناگون به خصوص برای زنان می‌گردد. در برخی کشورها ۵۰ درصد شاغلین این بخش را زنان

